

بررسی بی تفاوتی و نועدوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن

نویسندگان: دکتر صمد کلانتری^۱، دکتر مهدی ادیبی^۲، دکتر رسول ربانی^۳ و سیروس احمدی^۳

۱. دانشیار دانشگاه اصفهان

۲. استادیار دانشگاه اصفهان

۳. دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه اصفهان

چکیده

از اواسط دهه ۱۹۶۰ مطالعات و بررسی‌های گسترده‌ای در مورد نועدوستی و بی تفاوتی در روابط اجتماعی انجام شده، اما انجام چنین مطالعاتی در ایران چندان مورد توجه نبوده است. هدف از پژوهش حاضر اولاً تعیین میزان نועدوستی - بی تفاوتی در جامعه شهری ایران و ثانیاً بررسی ارتباط آن با متغیرهای همدلی، مسئولیت پذیری و تحلیل هزینه - پاداش مادی است. این پژوهش به روش پیمایش علی-مقایسه‌ای و طی دو مرحله انجام شده است. در مرحله اول که برای تعیین گروه‌های نועدوست و بی تفاوت انجام شد، همدستان پژوهشگر با مراجعه به منازل مختلف، یک صحنه اضطراری ساختگی پدید آوردند و برحسب عکس العمل‌هایی که افراد نشان دادند به دو گروه نועدوست و بی تفاوت تقسیم شدند. در مرحله دوم، پرسشگران به همان افراد مراجعه و اطلاعات مورد نیاز را جمع آوری کردند. واحد نمونه گیری در این پژوهش، خانه‌ها بودند و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای به ۳۸۴ خانه در نقاط مختلف شهر شیراز مراجعه گردید. ابزار سنجش، پرسشنامه‌ای محقق ساخته و ۳۹ سؤالی بود که ۱۳ سؤال آن جهت سنجش همدلی ۱۶ سؤال برای سنجش مسئولیت‌پذیری و ۱۰ سؤال به منظور سنجش تحلیل هزینه-پاداش مادی با سطح سنجش رتبه‌ای از نوع مقیاس پنج بخشی لیکرت، طراحی شده بود. این پرسشنامه با ارزیابی داوران مختلف تعیین اعتبار و با محاسبه آلفای کرونباخ که ضریب آن برای این سه عامل از ۰/۶۸ تا ۰/۸۲ متغیر و برای کل پرسشنامه ۰/۷۵ بود تعیین روایی گردید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد اولاً در مواجهه با حالت‌های اضطراری ۷۵/۳ درصد از شهروندان نועدوست و ۲۴/۷ درصد بی تفاوتند. به علاوه گروه نועدوست در مقایسه با گروه بی تفاوت دارای همدلی بیش‌تر، مسئولیت‌پذیری بیش‌تر و تحلیل هزینه - پاداش مادی کم‌تر است. یافته‌های این پژوهش با توجه به نتایج مطالعات پیشین مورد بحث قرار گرفته و نشان داده شده که با افزایش همدلی، افزایش مسئولیت‌پذیری و کاهش تحلیل هزینه پاداش مادی در بین شهروندان می‌توان نועدوستی را افزایش و بی تفاوتی را کاهش داد.

واژه‌های کلیدی: بی تفاوتی، نועدوستی، همدلی، مسئولیت‌پذیری، تحلیل هزینه - پاداش مادی

دوماهنامه علمی-پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال چهاردهم- دوره جدید

شماره ۲۲

اردیبهشت ۱۳۸۶

مقدمه

در فرایند زندگی اجتماعی روزمره (every day life) خصوصاً در شهرهای بزرگ، وضعیت‌هایی اضطراری (emergency situation) اتفاق می‌افتند که طی آن برخی شهروندان به طور ناگهانی دچار یک مسئله یا مشکل اساسی شده، شدیداً به کمک دیگران نیازمند می‌شوند تا

به جریان عادی زندگی برگردند. خراب شدن اتومبیل در وسط خیابان، تمام کردن بنزین در حین رانندگی، ضعف و بیماری در حین راه رفتن و به زمین افتادن، گم کردن مسیر، همراه نداشتن پول، تصادف، آتش سوزی و غیره. برخی از این وضعیت‌های اضطراری هستند که هر روزه در گوشه و کنار شهرهای بزرگ به راحتی قابل

مشاهده‌اند. در بسیاری از این گونه وضعیت‌ها، شاهدان و ناظران (bystanders) اقدام به نועدوستی (altruism) می‌کنند و فرد نیازمند را با کمک رسانی مورد حمایت قرار می‌دهند، اما در بسیاری از موارد دیگر شاهدان و ناظران تمایلی به کمک رسانی ندارند و با بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی (apathy) از کنار صحنه می‌گذرند. در پاسخ به این که چرا در هنگام وقوع وضعیت‌های اضطراری برخی نועدوست و برخی بی‌تفاوتند دیدگاه‌های مختلفی شکل گرفته‌اند. نظریه پردازان یادگیری اجتماعی، نועدوستی و بی‌تفاوتی را بر حسب یادگیری‌های گذشته افراد تبیین می‌کنند [۱] و توجه عمده آنان بر تأثیر الگو بر بروز نועدوستی و بی‌تفاوتی است. پژوهش‌برایان و تست [۲] در مورد کمک رسانی به زنی که اتومبیلش در جاده خراب شده بود، آزمایش راشتون و کمبل در مورد اهدای خون [۳]، بررسی بیم‌ن در زمینه کمک رسانی به فردی که در محل رفت و آمد دیگران بر روی زمین افتاده بود [۴] و نیز تحقیقات اسپرافکین در مورد کمک رسانی به حیوانات [۵] نشان می‌دهند که نועدوستی و بی‌تفاوتی، ارتباط مستقیم و معنادار با مشاهده یا عدم مشاهده الگوهای نועدوستی و بی‌تفاوتی دارند.

لاتانه و دارلی با انجام یکسری آزمایش‌های متنوع و گسترده، نועدوستی و بی‌تفاوتی را بر حسب یک فرایند تصمیم‌گیری پنج مرحله‌ای تبیین می‌کنند. به زعم آنان، اولین مرحله درک موقعیت است؛ یعنی فرد ناظر باید متوجه شود که چیزی اتفاق افتاده است. دومین مرحله تفسیر موقعیت به صورت کمک خواهی است؛ یعنی باید موقعیت پیش آمده اضطراری بوده و کسی به کمک نیاز داشته باشد. سومین مرحله به عهده گرفتن مسئولیت است یعنی فرد ناظر باید خود را مسئول بداند و احساس مسئولیت کند. چهارمین مرحله پیدا کردن راه کمک‌رسانی است که طی آن ناظر باید دانش، تجربه و مهارت‌های لازم را داشته باشد. پنجمین مرحله تصمیم‌گیری نهایی است که فرد ناظر به بررسی پیامدهای مداخله یا عدم مداخله می‌پردازد [۶]. به اعتقاد

لاتانه و دارلی نועدوستی یا بی‌تفاوتی وابسته به پاسخی است که ناظرین به هر یک از این مراحل می‌دهند. اگر پاسخ ناظرین در هر مرحله منفی باشد بی‌تفاوتی پدید می‌آید و فقط در صورتی که فرد ناظر به تمام مراحل جواب مثبت بدهد نועدوستی شکل می‌گیرد [۷]. دانیل باتسون، نועدوستی و بی‌تفاوتی را بر مبنای توانایی و میزان همدلی (empathy) ناظرین با فرد نیازمند تفسیر می‌کند [۸]. به‌زعم باتسون در هنگام مواجهه با حالت‌های اضطراری که طی آن کسی به کمک نیاز دارد اگر فرد ناظر بتواند با فرد نیازمند همدلی کند نسبت به او نועدوستی خواهد کرد و اگر نتواند همدلی کند با بی‌تفاوتی از کنار صحنه خواهد گذشت مگر اینکه مطمئن شود در نتیجه نועدوستی منفعتی به‌دست می‌آورد [۹].

اندیشمندان حوزه شهری، نועدوستی و بی‌تفاوتی را ناشی از ساختار شهری و ویژگی‌های محیطی آن می‌دانند. به‌عبارت دیگر با افزایش جمعیت و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی تمایل به مداخله در وضعیت‌های اضطراری و کمک رسانی و نועدوستی کاهش یافته، تمایل به بی‌تفاوتی گسترش می‌یابد. پژوهش‌استانلی میلگرام در یک شهر بزرگ (مانهاتان) و یک شهر کوچک (در نزدیکی نیویورک) در زمینه کمک رسانی به زن و مردی که دچار مشکل حادی شده بودند [۱۰] و نیز پژوهش مفصل آماتو در چندین شهر مختلف که جمعیت‌شان از ۱۰۰۰ نفر تا بیش از ۳۰۰۰۰ نفر متغیر بود و در هر یک از آنان پنج حالت اضطراری مختلف پدید آورده شده بود [۱۱] نشان داد که با افزایش جمعیت و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی تمایل به نועدوستی کاهش یافته، بر میزان بی‌تفاوتی افزوده می‌شود. برخی محققان اجتماعی نועدوستی و بی‌تفاوتی را به میزان درونی سازی هنجاری‌های اجتماعی تقابل (reciprocity)، انصاف (equity) و مسئولیت‌پذیری (responsibility) منتسب می‌کنند [۱۲]. پژوهش‌ریگان در خصوص هنجار تقابل [۱۳]، تحقیقات والستر در مورد

هنجار انصاف [۱۴] و آزمایش‌های لوین، نورنزیان، فیلیبریک [۱۵] و نیز مارویاما، فریزر و میلر [۱۶] در مورد هنجار مسئولیت‌پذیری نشان داد درونی‌سازی هر چه بیش‌تر هنجارهای تقابل و انصاف که در ذات خود مستلزم نوعی تحلیل هزینه-فایده هستند باعث تمایل بیش‌تر به بی‌تفاوتی و درونی‌سازی هر چه بیش‌تر هنجار مسئولیت‌پذیری باعث تمایل بیش‌تر به نودوستی می‌شود.

جان پیلیاوین در چارچوب نظریه مبادله اجتماعی (social exchange)، یک نظریه پنج مرحله‌ای را در تبیین بی‌تفاوتی و نودوستی مطرح می‌کند که بنیاد آن محاسبه هزینه - پاداش (cost-reward analysis) است. به اعتقاد پیلیاوین، افراد ناظر در هنگام مواجهه با حالت‌های اضطرابی به سرعت هزینه‌ها و پاداش‌های نودوستی و بی‌تفاوتی را بررسی می‌کنند. در صورتی که هزینه کمک کردن پایین و هزینه کمک نکردن بالا باشد فرد ناظر اقدام به نودوستی خواهد کرد و در صورتی که هزینه کمک کردن بالا و هزینه کمک نکردن پایین باشد فرد ناظر با بی‌تفاوتی از کنار صحنه خواهد گذشت [۱۷].

زیست‌شناسان اجتماعی، بی‌تفاوتی و نودوستی را بر مبنای اصول زیستی، گزینش خویشاوند (kin selection) و شباهت ژنتیکی تبیین می‌کنند. به‌زعم آنان نودوستی عموماً معطوف به خویشان و بستگان بسیار نزدیک است، یعنی در بین کسانی که با یکدیگر رابطه خونی و ژنتیک دارند و در درجات بعد به سمت اقوام دورتر، دوستان نزدیک، همسایه‌ها و سرانجام غریبه‌ها است که به نحوی با یکدیگر شباهت دارند. در نقطه مقابل، بی‌تفاوتی نیز ریشه در عدم توارث و عدم شباهت دارد. به عبارت بهتر بی‌تفاوتی عمدتاً نسبت به غریبه‌ها و بیگانه‌ها صورت می‌گیرد، یعنی کسانی که هیچ شباهت یا رابطه خونی و ژنتیک با یکدیگر ندارند [۱۸]. پژوهش گسترده آلیس روسی و پیترو روسی در مورد تمایل به نودوستی در سه گروه خویشاوندان خونی، خویشاوندان نسبی و غیرخویشاوندان [۱۹] پژوهش

برنشتاین، کراندال و کیتایاما در مورد تمایل به نودوستی در وضعیت‌های بسیار اضطرابی که طی آن خطرهای جانی وجود دارد [۲۰] و آزمایش‌های امسویلر [۲۱] و کارابینک [۲۲] در خصوص تمایل به نودوستی در حالت‌هایی که شباهت‌های ژنتیکی بین ناظر و نیازمند وجود دارد نشان می‌دهد که اصول زیستی و ژنتیکی نقش تعیین‌کننده‌ای در بروز نودوستی و بی‌تفاوتی دارند. علی‌رغم اهمیت اساسی نودوستی-بی‌تفاوتی در روابط اجتماعی که تقریباً از اواسط دهه ۱۹۶۰ بطور گسترده مورد توجه قرار گرفته، این مسأله در ایران چندان مورد توجه نبوده است. به این دلیل پژوهش حاضر به دنبال تعیین میزان نودوستی-بی‌تفاوتی در جامعه شهری ایران از یک سو و تبیین علل و عوامل مؤثر بر آن از سوی دیگر است که در این راستا، سه فرضیه را به شرح زیر مد نظر قرار داده است:

۱. میزان همدلی در گروه نودوست با گروه بی‌تفاوت، متفاوت است. (هر چه میزان همدلی افزایش یابد تمایل به نودوستی بیش‌تر می‌شود و هرچه میزان همدلی کاهش یابد تمایل به بی‌تفاوتی افزایش می‌یابد).
۲. میزان مسئولیت‌پذیری در گروه بی‌تفاوت با گروه نودوست متفاوت است. (هر چه میزان مسئولیت‌پذیری افزایش یابد تمایل به نودوستی بیش‌تر می‌گردد و هرچه میزان مسئولیت‌پذیری کاهش یابد تمایل به بی‌تفاوتی بیش‌تر می‌شود).
۳. میزان تحلیل هزینه-پاداش مادی در گروه بی‌تفاوت با گروه نودوست متفاوت است. (هر چه تحلیل هزینه پاداش مادی افزایش یابد تمایل به نودوستی کم‌تر، و هر چه تحلیل هزینه - پاداش مادی کاهش یابد تمایل به بی‌تفاوتی بیش‌تر می‌شود).

روش تحقیق

این پژوهش به روش پیمایشی علی-مقایسه‌ای (causal-comparative) انجام شده و برای تعیین گروه‌های نودوست و بی‌تفاوت از روش تجربی یک گروه

آزمودنی و آزمون نهایی و ایجاد یک صحنه اضطراری ساختگی استفاده شده است؛ به این صورت که یکی از همدستان (confederate) پژوهشگر به درب منازل از پیش تعیین شده مراجعه و وانمود می‌کند برای پیدا کردن منزل یکی از آشنایان و اقوام به این محل آمده، اما متأسفانه نه تنها نتوانسته او را پیدا کند، بلکه ماشینش هم خراب شده و روشن نمی‌شود، البته ماشین مذکور در همان نزدیکی در حالی که کاپوت آن بالا است به صورتی قرار داده شده که آزمودنی بتواند آن را ببیند. همدست پژوهشگر که دستانش چرب است و پیچ گوشتی یا آچار نیز در دست دارد شماره موبایلی را به آزمودنی می‌دهد و از او خواهش می‌کند به این شماره تماس گرفته، قضیه را به خانواده اش اطلاع دهد و خود به ماشین بر می‌گردد. شماره موبایل مذکور در واقع متعلق به همدست دیگری بود که کمی دورتر ایستاده و وظیفه داشت تعیین کند کدام یک از افراد تماس می‌گیرند و کدام یک تماس نمی‌گیرند. از لحظه‌ای که شماره به هر آزمودنی داده می‌شد بین ۱۵ تا ۲۵ دقیقه زمان در نظر گرفته می‌شد تا تماس بگیرد. آزمودنی‌هایی که در طی این مدت به شماره موبایل تماس گرفته، قضیه را اطلاع دادند، در قالب گروه نועدوست و آزمودنی‌هایی که تماس نگرفتند، در قالب گروه بی‌تفاوت دسته‌بندی شدند. تمام این مراجعات و ایجاد صحنه‌های اضطراری در مواقع تعطیل مانند عصر پنجشنبه و روزهای جمعه انجام شد تا وضعیت،

اضطراری تر جلوه داده شود، چرا که در این مواقع معمولاً تعمیرگاه‌ها تعطیل هستند. نظر به این که روش علی-مقایسه‌ای مستلزم برخی کنترل‌ها برای هرچه بیش‌تر مشابه شدن گروه‌ها است از همدستان خواسته شد در انتخاب منازل و افراد بر اساس موارد زیر عمل کنند:

- انتخاب منازل دارای تلفن.
- انتخاب منازل ویلایی و حذف آپارتمان‌ها.
- انتخاب افراد محدوده سنی ۶۰-۱۵ سال.
- حذف حضور دیگران در هنگام مواجهه با آزمودنی‌ها.

به‌علاوه چون باید اطلاعات مورد نیاز در تحقیق برای تبیین علل و عوامل نועدوستی و بی‌تفاوتی از همین آزمودنی‌ها جمع‌آوری می‌شد از همدستان خواسته شد در هر مراجعه به سرعت آدرس دقیق، کدپستی، پلاک پستی، جنسیت، حدود سن و سال، حدود قد و دیگر ویژگی‌های بارز ظاهری آزمودنی را یادداشت کنند تا پرسشگران در مرحله جمع‌آوری اطلاعات به راحتی بتوانند این افراد را یافته و با آنان مصاحبه کنند.

- واحد نمونه‌گیری در این پژوهش خانه‌ها و اندازه نمونه ۳۸۴ بوده است. نمونه‌گیری به روش تصادفی چند مرحله‌ای بوده و طی آن ۳۲ نقطه مختلف در سراسر شهر برای انجام عملیات نمونه‌گیری انتخاب و در هر نقطه به طور تصادفی به ۱۲ خانه مراجعه گردید.

جدول ۱ وضعیت آلفای کرونباخ پرسشنامه محقق ساخته به تفکیک گروه‌ها

متغیرها	همدلی	مسئولیت‌پذیری	تحلیل هزینه - پاداش	کل پرسشنامه
تعداد سؤالات	۱۳	۱۶	۱۰	۳۹
آلفای گروه نועدوست	۰/۸۴	۰/۸۶	۰/۶۵	۰/۷۷
آلفای گروه بی‌تفاوت	۰/۸۷	۰/۸۱	۰/۷۱	۰/۷۰
آلفای کل	۰/۸۲	۰/۸۵	۰/۶۸	۰/۷۵

جدول ۲ توزیع فراوانی نمونه‌ها بر حسب گروه و جنسیت

جنسیت	گروه	نوع دوست	بی تفاوت	کل
مرد	فراوانی	۱۷۳	۴۶	۲۱۹
	درصد	۴۵/۱	۱۲٪	۵۷٪
زن	فراوانی	۱۱۶	۴۹	۱۶۵
	درصد	۳۰/۲	۱۲/۸	۴۳٪
کل	فراوانی	۲۸۹	۹۵	۳۸۴
	درصد	۷۵/۳	۲۴/۷	۱۰۰٪

در بین مردان ۱۷۳ نفر (۷۹ درصد) نوع دوست و ۴۶ نفر (۲۱ درصد) بی تفاوت بوده‌اند و در بین زنان ۱۱۶ نفر (۷۰/۳ درصد) نوع دوست و ۴۹ نفر (۲۹/۷ درصد) بی تفاوت بوده‌اند.

فرضیه ۱: میزان همدلی در گروه بی تفاوت با گروه نوع دوست متفاوت است. برای سنجش همدلی با توجه به ابعاد تجسم دیدگاه دیگران، همدردی و آشننگی‌های عاطفی، ۱۳ پرسش تنظیم گردید که بر حسب پاسخ‌های افراد، نتایج به دست آمده به شرح جدول ۳ است.

با توجه به جدول ۲ میانگین نمره همدلی در افراد نوع دوست ۴۹/۴ و در افراد بی تفاوت ۴۶/۵ است. مقدار «تی» ناشی از مقایسه میانگین‌ها برابر ۳/۵۳ بوده و در مقایسه با مقادیر بحرانی معنادار می‌باشد بنابراین افراد نوع دوست بیش از افراد بی تفاوت توانایی همدلی دارند. فرضیه ۲: میزان مسئولیت پذیری در گروه بی تفاوت با گروه نوع دوست متفاوت است.

برای سنجش متغیر مسئولیت‌پذیری با در نظر گرفتن ابعاد پذیرش پیامدهای رفتار، قابل اعتماد بودن و احساس وظیفه و تعهد نسبت به گروه، ۱۶ پرسش ساخته شد که بنابر پاسخ‌های داده شده نتایج به شرح جدول ۴ است.

با توجه به جدول ۴ میانگین نمره مسئولیت‌پذیری در افراد نوع دوست ۵۴/۹ و در افراد بی تفاوت ۵۱/۴ است. مقدار «تی» ناشی از مقایسه میانگین‌ها برابر ۳/۴۷ می‌باشد که در مقایسه با مقادیر بحرانی معنادار است و

• ابزار سنجش این پژوهش، پرسشنامه‌ای محقق ساخته و ۳۹ سؤال بود که ۱۳ سؤال آن برای سنجش متغیر همدلی ۱۶ سؤال برای سنجش متغیر مسئولیت‌پذیری و ۱۰ سؤال برای سنجش تحلیل هزینه-پاداش مادی طراحی و براساس مقیاس پنج بخشی از نوع لیکرت تنظیم شده بودند.

این پرسشنامه با مراجعه به داوران و متخصصان مختلف تعیین اعتبار (content validity) و با محاسبه پایبندی درونی به روش آلفای کرونباخ که نتایج آن به شرح جدول ۱ است تعیین روایی (reliability) گردید: روش اجرای پرسشنامه به این صورت بود که پرسشگران پس از یک دوره زمانی ۷ تا ۱۰ روزه که از مراجعه همدستان به منازل می‌گذشت بر اساس اطلاعات همدستان به همان منازل مراجعه و به وسیله آموزش‌هایی که به آن‌ها داده شده بود، فرد مورد نظر را یافته، با او مصاحبه و اطلاعات مورد نیاز را جمع آوری می‌کردند. از مجموع ۳۸۴ نمونه مورد بررسی، دسترسی به ۸ نفر که ۶ نفرشان در گروه نوع دوست‌ها و دو نفرشان در گروه بی تفاوت‌ها بودند مقدور نگردید و در نتیجه تحلیل‌ها بر روی ۳۷۶ نفر انجام شد.

نتایج

در مرحله اول عملیات میدانی که توسط همدستان با ایجاد یک صحنه اضطراری ساختگی به منظور تعیین گروه‌های نوع دوست و بی تفاوت انجام شد نتایج به دست آمده در جدول ۲ منعکس شده است.

بر اساس جدول ۲ از مجموع ۳۸۴ مورد مراجعه به منازل ۲۸۹ نفر (۷۵/۳ درصد) نوع دوست و ۹۵ نفر (۲۴/۷ درصد) بی تفاوت بوده‌اند. به علاوه از مجموع نمونه‌هایی که همدستان پژوهشگر به آنان مراجعه کرده‌اند ۲۱۹ نفر (۵۷ درصد) مرد و ۱۶۵ نفر (۴۳ درصد) زن بوده‌اند.

نوعدوست) کم‌تر از میانگین‌های گروه دوم (بی‌تفاوت) بوده، مقادیر «تی» به صورت منفی است.

نظر به این که در محاسبات آماری، قدر مطلق «تی» مورد توجه است، تفاوت میانگین‌ها در مقایسه با مقادیر بحرانی معنادار است و نشان می‌دهد تحلیل هزینه-پاداش مادی در گروه نועدوست کم‌تر از گروه بی‌تفاوت است.

به منظور تبیین نועدوستی و بی‌تفاوتی و تفکیک آن‌ها از روی سازه‌های هم‌دلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تحلیل هزینه-پاداش مادی که همگی در مقیاس فاصله‌ای سنجش شده‌اند از تحلیل ممیزی (تشخیصی) استفاده گردید که نتایج آن به شرح زیر است:

نشان می‌دهد که افراد نועدوست بیش از افراد بی‌تفاوت مسئولیت‌پذیری دارند.

فرضیه ۳: میزان تحلیل هزینه-پاداش مادی در گروه بی‌تفاوت با گروه نועدوست متفاوت است.

برای سنجش متغیر تحلیل هزینه-پاداش مادی با توجه به ابعاد حساس‌گری، کسب پاداش‌های سنجش‌پذیر و قابل محاسبه و نفی ارزش‌های سستی، ۱۰ سؤال طراحی گردید که بر حسب پاسخ‌های افراد نتایج به شرح جدول ۴ است.

با توجه به جدول ۵ میانگین نمره تحلیل هزینه-پاداش مادی در گروه نועدوست ۲۶/۳ و در گروه بی‌تفاوت ۲۹/۱ است. چون میانگین‌های گروه اول

جدول ۳ مقایسه میانگین هم‌دلی در افراد نועدوست و بی‌تفاوت با استفاده از آزمون «تی» مستقل

گروه	تعداد	میانگین هم‌دلی	انحراف معیار	مقدار «تی»	درجه آزادی	سطح معنادار بودن
نوعدوست	۲۸۳	۴۹/۳	۶/۶	۳/۵۳	۳۷۴	$P < ۰/۰۱$
بی تفاوت	۹۳	۴۶/۵	۶/۲			

جدول ۴ مقایسه میانگین نمره مسئولیت‌پذیری در افراد نועدوست و بی‌تفاوت با استفاده از آزمون «تی» مستقل

گروه	تعداد	میانگین مسئولیت‌پذیری	انحراف معیار	مقدار «تی»	درجه آزادی	سطح معنادار بودن
نوعدوست	۲۸۳	۵۴/۹	۸/۸	۳/۴۷	۳۷۴	$P < ۰/۰۱$
بی تفاوت	۹۳	۵۱/۴	۸/۱			

جدول ۵ مقایسه میانگین تحلیل هزینه-پاداش مادی در افراد نועدوست و بی‌تفاوت با استفاده از آزمون «تی» مستقل

گروه	تعداد	میانگین تحلیل هزینه-پاداش مادی	انحراف معیار	مقدار «تی»	درجه آزادی	سطح معنادار بودن
نوعدوست	۲۸۳	۲۸/۹	۶/۱	-۴/۳۶	۳۷۴	$P < ۰/۰۱$
بی تفاوت	۹۳	۳۲/۱	۵/۹			

تأثیر جنسیت باشد و ثانیاً تفاوت نمرات گروه‌های نועدوست و بی‌تفاوت در متغیرهای همدلی، مسئولیت‌پذیری و تحلیل هزینه-پاداش مادی نیز متأثر از جنسیت باشد. بر این اساس ارتباط بین جنسیت با متغیرهای مستقل و وابسته مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن به شرح جدول ۷ است. براساس داده‌های جدول ۷ ارتباط بین جنسیت با نועدوستی-بی‌تفاوتی معنادار نیست. به عبارت دیگر، جنسیت بر بروز نועدوستی-بی‌تفاوتی تأثیر نداشته است. با توجه به نتایج جدال ۸ هیچ ارتباط معناداری بین جنسیت با متغیرهای همدلی، مسئولیت‌پذیری و تحلیل هزینه-پاداش مادی وجود ندارد.

براساس داده‌های جدول ۶ از مجموع ۲۸۳ مورد در گروه نועدوست ۱۸۲ مورد (۶۴/۳) و از مجموع ۹۳ مورد در گروه بی‌تفاوت ۵۹ مورد (۶۳/۴) و از کل ۳۷۶ مورد نועدوست و بی‌تفاوت ۲۴۱ مورد (۶۴/۱) بر اساس سازه‌های پیش‌بینی‌کننده همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تحلیل هزینه-پاداش مادی به‌طور صحیح طبقه‌بندی شده‌اند. برای ارزیابی دقت در پیش‌بینی دسته‌بندی گروهی از ضریب کاپا استفاده شده است که مقدار آن ۰/۲۷ است.

در پژوهش حاضر، امکان کنترل متغیر جنسیت وجود نداشته و نمونه‌های پژوهش از هر دو جنسیت انتخاب شده‌اند. از این رو، این احتمال وجود دارد که اولاً نועدوستی-بی‌تفاوتی علاوه بر متغیرهای مستقل تحت

جدول ۶ دسته‌بندی گروه‌های نועدوست و بی‌تفاوت با استفاده از متغیرهای پیش‌بینی‌کننده همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تحلیل هزینه-پاداش مادی

گروه	پیش‌بینی شده			ضریب کاپا
	نوعدوست	بی‌تفاوت	کل	
مشاهده شده	۱۸۲	۱۰۱	۲۸۳	۰/۲۷
	۶۴/۳	۳۵/۷		
بی‌تفاوت	۳۴	۵۹	۹۳	
	۳۶/۶	۶۳/۴		

جدول ۷ بررسی ارتباط بین جنسیت با نועدوستی-بی‌تفاوتی با استفاده از آزمون کای اسکوئر

جنسیت	گروه	نوعدوست		بی‌تفاوت		کل	X ²	d.f	سطح معنا دار بودن
		تعداد مشاهده شده	تعداد انتظار	تعداد مشاهده شده	تعداد انتظار				
مرد		۱۷۳	۱۶۴/۸	۴۶	۵۴/۲	۲۱۹			
زن		۱۱۶	۱۲۴/۲	۴۹	۴۰/۸	۱۶۵	۳/۸۱	۱	-
کل		۲۸۹	۲۸۹	۹۵	۹۵	۳۸۴			

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر از یک سو تعیین نسبت نعدوستی و بی‌تفاوتی در مواجهه با وضعیت‌های اضطراری زندگی روزمره و از سوی دیگر بررسی ارتباط بین واکنش نعدوستی - بی‌تفاوتی با متغیرهای همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تحلیل هزینه-پاداش مادی بود. بر اساس تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده می‌توان نتایج حاصل از تحقیق را به شرح زیر بیان کرد:

- در مواجهه با وضعیت‌های اضطراری نسبت نعدوستی در جامعه شهری ایران $75/3$ و نسبت بی‌تفاوتی $24/7$ درصد است.

- در پژوهش حاضر، جنسیت بر بروز نعدوستی بی‌تفاوتی تأثیر نداشته است. تحقیقات ایلگی و کراولی بیانگر آن است که در هنگام وقوع حالت‌های اضطراری مردان نعدوست‌تر از زنان هستند [۲۳]، اما آزمایش‌های اوتن و همکارانش نشان می‌دهند که مردان لزوماً نعدوست‌تر از زنان نیستند و زنان در برخوردهای کوتاه مدت با غریبه‌ها نعدوست‌تر از مردان هستند [۲۴]. یافته پژوهش حاضر که طی آن امکان و شرایط نعدوستی برای هر دو جنسیت برابر بوده با نتایج پژوهش‌های فوق انطباق ندارد و نتایج آن‌ها را تأیید نمی‌کند.

- همدلی افراد نعدوست بیشتر از افراد بی‌تفاوت است. این یافته با نتایج تحقیقات دنیس کرپز [۲۵] و نیز آزمایش‌های دانیل باتسون [۲۶] که طی آن نشان می‌دهند افزایش همدلی باعث تمایل بیشتر به نعدوستی، و کاهش همدلی باعث تمایل بیشتر به بی‌تفاوتی می‌شوند همخوانی دارد.

- میزان مسئولیت‌پذیری افراد نعدوست بیشتر از افراد بی‌تفاوت است. این یافته با نتایج تحقیقات مارویا و همکاران او [۲۷] و نیز لوین و همکارانش [۲۸] که معتقدند افزایش مسئولیت‌پذیری باعث افزایش نعدوستی و کاهش مسئولیت‌پذیری باعث افزایش بی‌تفاوتی می‌شود همسویی دارد.

- میزان تحلیل هزینه-پاداش مادی در افراد نعدوست کم‌تر از افراد بی‌تفاوت است. بر اساس نتیجه‌گیری‌های پیلیاوین، چون در فرایند نعدوستی-بخصوص در حالت‌هایی که ناظر با نیازمند تنها است-منفعت ملموسی وجود ندارد و حتی هزینه‌هایی نیز ممکن است بر فرد ناظر تحمیل شود، افرادی که بیش‌تر بر مبنای تحلیل هزینه - پاداش مادی عمل می‌کنند کم‌تر تمایل به نعدوستی دارند.

جدول ۸ بررسی ارتباط بین جنسیت با همدلی، مسئولیت‌پذیری و تحلیل هزینه-پاداش مادی با استفاده از آزمون «تی» مستقل

جنسیت	تعداد	میانگین همدلی	انحراف معیار	مقدار «تی»	درجه آزادی	سطح معنا دار بودن
مرد	۲۱۵	۴۸/۷	۶/۵	۰/۱۸	۳۷۴	-
زن	۱۶۱	۴۸/۵	۶/۸			
جنسیت	تعداد	میانگین مسئولیت‌پذیری	انحراف معیار	مقدار «تی»	درجه آزادی	سطح معنا دار بودن
مرد	۲۱۵	۵۳/۶	۸/۹	-۱/۱	۳۷۴	-
زن	۱۶۱	۵۴/۷	۸/۶			
جنسیت	تعداد	میانگین تحلیل هزینه - پاداش مادی	انحراف معیار	مقدار «تی»	درجه آزادی	سطح معنا دار بودن
مرد	۲۱۵	۲۹/۶	۶/۹	-۰/۵۱	۳۷۴	-
زن	۱۶۱	۲۹/۹	۵/۴			

اگر قرار باشد مردم نسبت به هم بی تفاوت باشند و به یکدیگر کمک نرسانند جوامع انسانی نمی توانند وجود داشته باشند [۳۰] بر این اساس، تلاش گسترده‌ای از جانب محققان وجود دارد که با شناخت علل و عوامل بی تفاوتی و نعدوستی در روابط اجتماعی، زمینه‌های گسترش نعدوستی و کاهش بی تفاوتی را هر چه بیش‌تر فراهم آورند. نتایج آزمون تحلیل ممیز بیانگر آن است که متغیرهای همدلی، مسئولیت پذیری و تحلیل هزینه-پاداش مادی تا حد زیاد قادر به تبیین نعدوستی و بی تفاوتی در روابط اجتماعی هستند و در ۶۴/۱ درصد موارد به درستی افراد نعدوست و بی تفاوت را تفکیک و طبقه بندی کرده‌اند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت با افزایش توان همدلی و بالا بردن حس مسئولیت پذیری اجتماعی و نیز کم رنگ کردن محاسبات صرف مادی در روابط اجتماعی می‌توان بی تفاوتی را کاهش و نعدوستی را افزایش داد.

در پژوهش حاضر، تماس گرفتن با شماره موبایل یک هزینه مادی را به افراد ناظر تحمیل می‌کند که در عوض منفعت یا پاداش مادی خاصی نیز به دست نمی‌آورند در نتیجه انتظار می‌رود کسانی که تحلیل هزینه-پاداش مادی می‌کنند کم‌تر تمایل به نعدوستی داشته باشند و نسبت به وضعیت پیش آمده بی تفاوت باشند. یافته این پژوهش با نتایج تحقیقات جان پیلیاوین و دویديو [۲۹] مطابقت و همخوانی دارد.

۶. نظر جامعه شناسان، روابط اجتماعی گرم از پایه‌ها و مبانی اساسی نظم اجتماعی است و در صورتی که این روابط به هر دلیل به سردی گراید به همان نسبت، اعتماد اجتماعی، نظم هنجاری و تعهدات جمعی و عمومی تضعیف می‌شوند. هر چه در سطوح مختلف شبکه روابط اجتماعی، نعدوستی بیش‌تر باشد به همان نسبت می‌توان پیش بینی کرد که محرومیت اجتماعی، یاس اجتماعی، استثمار اجتماعی و انفعال اجتماعی کاهش یابد. به‌زعم آنان

منابع

1. Mills, R.S.; Grusec, J.E.; (1989) cognitive, affective, and behavioral consequences of praising altruism, *Merrill-Palmer Quarterly*, 34 : 615-624 .
2. Bryan, J.H.; Test, M.A.; (1967) Models and helping : Naturalistic studies in aiding behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 6 : 400-407 .
3. Rushton, J.P.; Campbell, A.C.; (1977) Modeling, vicarious reinforcement and extraversion on blood donating in adults : immediate and long-term effects, *European Journal of Social Psychology*, 7 : 297-306 .
4. Beaman, A.; Barnes, P.J.; Klentz, B.; McQuirk, B.; (1978) Increasing helping rates Through information dissemination : teaching pays, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 4 : 406-411 .
5. Sprafkin, J.N.; Liebert, R.M.; Poulos, R.W.; (1975) Effects of a Prosocial televised example on childrens helping, *Journal of Experimental Child Psychology*, 20 : 119-126 .
6. Darley, J.M.; Latane, B.; (1968) Bystander intervention in emergencies, Diffusion of responsibility, *Journal of Personality and Social Psychology*, 44 : 20-23 .
7. Latane, B.; Darley, J.M.; (1970) The unresponsive bystander, why doesn't he help ? Newyork. Appleton-Century-Crofts, p 15
8. Aronson, E. Timothy, D.W. Robin, M, A; (2002) *Social psychology*, New Jersey Prentice Hall, p 388
9. Batson, C.D.; Duncan, B.D.; Ackerman, P.; Buckley, T.; Birch, K.; (1981) Is empathic emotion a source of altruistic motivation ? *Journal of Personality and Social Psychology*, 40 : 290-302
10. Brewer, M.B.; Crano, W.D.; (1994) *Social psychology*, Newyork, West Publishing Company, p 295
11. Amato, P.R.; (1983) Helping behavior in urban and rural environments, field studies based on a taxonomic organization of helping episodes, *Journal of Personality and Social Psychology*, 45 : 571-586
12. Wiggins, J.A.; Wiggins, B.B.; Zanden, J.V.; (1994) *Social psychology*, new york, Mc Graw-Hill, pp 333-334 .
13. Regan, D.T.; (1971) Effects of a Favor and liking on compliance, *Journal of Experimental Social Psychology*, 7 : 627-639 .
14. Walster, E.; Berscheid, E.; Walster, G.W.; (1973) New directions in Equity research, *Journal of Personality and Social Psychology*, 25 : 151-176
15. Levine, R.; Norenzayan, A.; Philbrick, K.; (2001) Cultural differences in the helping of strangers, *Journal of Cross Cultural Psychology*, 32 : 543-560
16. Maruyama, G.. Fraser, S.C.; Miller, N.; (1982) Personal responsibility and altruism in children, *Journal of Personality and Social Psychology*, 42 : 659-664 .
17. Piliavin, J.A.; Charng, H.W.; (1990) Altruism : a review of recent theory and research, *Annual Review of Sociology*, 16 : 25-65 .
18. Deaux, K.; Dane, F.C.; Weightman, L.S.; Sigelman, C.K.; (1990) *Social psychology in the 90s*, California, Brooks/Cole Publishing Company, p 291.

19. Rossi, A.S.; Rossi, P.H.; (1990) of Human Bonding: parent- child relations across the life course, New york, Aldine de Gruyter, p 175 .
 20. Burnstein, G.; Crandall, C.; Kitayama, S.; (1994) Some neo Darwinian decision rules for altruism, weighing cues for inclusive fitness as a function of the biological importance of the decision. Journal of Personality and Social Psychology, 67 : 773-789 .
 21. Emswiller, T.; Deaux, K.; Willits, J.E.; (1971) Similarity, sex, and requests for small favors, Journal of Applied Social Psychology, 1 : 284-291 .
 22. Karabenick, S.; lerner, R.; Beecher, M; (1973) Relation of political affiliation to helping behavior on election day, November 7, 1972, Journal of Social Psychology, 91: 227-233 .
 23. Eagly, A.H.; Crowley, M.; (1986) Gender differences in helping behavior, A meta analytic review of the socail psychology literature, Psychological Bulletin, 100 : 283-308 .
 24. 10-Brewer, M.B.; Crano, W.D.; (1994) Social psychology, Newyork, West Publishing Company, p 290
 25. Krebs, D.; (1975) Physical attractiveness, social relations and presonality style, Journal of Personality and Social Psychology, 31 : 245-253 .
 26. Batson, C.D.; Miho, T.; (1982) More evidence that empathy is a source of altruistic motivation, Journal of Personality and Social Psychology ,43: 281-292 .
 27. Maruyama, G.; Fraser, S.C.; Miller, N; (1982) Personal responsibility and altruism in children, journal of Personality and Social Psychology, 42 : 557-558 .
 28. Levine, R.; Norenzayan, A.; Philbrick, K.; (2001) Cultural differences in the helping of strangers, Journal of cross cultural Psychology, 32 : 556-559 .
 29. Piliavin, J.A.; Dovidio, J.F.; Gaertner, S.L.; Clark, R.D.; (1981) Emergency intervention Examines factors that influence bystander's helping in crisis situation, Newyork. Acadmic press. p 12
۳۰. چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه شناسی نظم، تهران، نشر نی، صص ۱۵۸-۱۵۷.